

رئیس‌جمهور:

باشکوفایی دانش‌آموزان‌مان

در مقابل دشمنان سر خم نمی‌کنیم

رئیس‌جمهور روز گذشته به همراه وزیر آموزش و پرورش، وزیر نیرو، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و فرمانده کل فرجا، در آیین افتتاح و بهره‌برداری از نخستین دبیرستان شبانه‌روزی هوشمند پلیس گفت: باور دارم که دانش‌آموزان و فرزندان ایران‌زمین، سرمایه‌های اصلی ما هستند که اگر استعداد‌های‌شان شکوفا شود، هیچ‌گاه در مقابل دشمنان سر خم نخواهیم کرد. رئیس‌جمهور در ادامه‌خاطرنشان کرد:کافی‌است فرزندان مایدانندومهارت کسب کنند و اعتقاد داشته باشند که باید به وطن خود خدمت کنند. آنگاه است که دشمنان با ترور و به شهادت رساندن فرماندهانی باتدبیر، با صلابت، مخلص و اینارگر همچون شهید باقری و شهید موسوی و نجیبگان‌مان، نمی‌توانند چشم طمع به میهن‌مان داشته باشند، چراکه دانش‌آموزان ایران، آینده‌ایران راخواهند ساخت.

■ ■ ■

هشدار قرارگاه خاتم‌الانبیا

به‌ارتش تروریستی آمریکا

سختگوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا با هشدار به ارتش تروریستی آمریکا درباره تداوم شرارت، ناامنی و مزاحمت برای کشتی‌های ایرانی اعلام کرد:تداوم این‌اقدام‌ها با ضربات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران علیه شناورهای نظامی آمریکا مواجه خواهد شد. وزارت خارجه کشورمان هم اقدام تجاوزکارانه آمریکا در حمله به شناورهای تجاری ایرانی در خلیج فارس و دریای عمان در روز گذشته را به شدت محکوم کرد. در بیانیه وزارت خارجه آمده‌است:این‌اقدامات غیرقانونی وتجاوزکارانه که درادامه تجاوزنظامی آمریکاعلیه ایران و به‌عنوان بخشی از محاصره دریایی و جنگ اقتصادی آن رژیم علیه میهن ما ارتکاب یافته‌است، نقض واضح بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، جیانیت جنگی، و تهدیدی آشکار علیه صلح بین‌المللی و امنیت‌کشتیرانی تجاری است.

وزارت امور خارجه با تأکید بر عزم جمهوری اسلامی ایران برای دفاع قاطعانه از حاکمیت و منافع ملی خود در برابر تروریسم‌دولتی واقدامات تجاوزکارانه آمریکا،از جمله‌تداوم محاصره دریایی و جنگ اقتصادی و تعرض به کشتی‌های تجاری، یادآور شد که مسئولیت پیامدهای ناشی از تداوم اقدامات تجاوزکارانه و مداخله جویانه آمریکا در منطقه بر عهده رژیم آمریکا و همدستان و شرکای آن خواهد بود.

■ ■ ■

انهدام یک تیم تروریستی

در سیستان و بلوچستان توسط سپاه

با رصد اطلاعاتی هوشمند، یک تیم تروریستی در اقدام عملیاتی مشترک توسط رزمندگان قرارگاه قدس شامل اداره کل اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه استان سیستان و بلوچستان و فراجا استان مورد شناسایی و ضربه قاطع قرار گرفت که منجر به هلاکت دو نفر از تروریست‌ها شد.

قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در بیانیه‌ای ضمن اعلام خبر فوق به مزدوران رژیم منحوس صهیونی و رژیم تروریستی آمریکا هشدار داده که امنیت مردم استان سیستان و بلوچستان خط قرمز ایران بوده و به هیچ مزدوری اجازه ورود و تحرک در منطقه داده نمی‌شود و با آنان به‌شدت برخورد خواهد شد.

■ ■ ■

رئیس‌کل دادگستری هرمزگان:

قطعات موشک اصابت کرده به

عروسی کوهستگ، آمریکایی‌است

رئیس‌کل دادگستری هرمزگان ضمن حضور در محل وقوع تجاوز نظامی دشمن آمریکایی به مراسم عروسی منطقه کوهستگ،تأکید کرد که بررسی‌های فنی‌وداده‌گای ماهیت ادوات استفاده‌شده را به‌طور دقیق و غیرقابل انکار مشخص نموده و تعلق آن به ارتش تروریستی ایالات متحده آمریکا به اثبات رسیده است. قهرمانی افزود: نوع باتری حرارتی نظامی به‌کار رفته در مهمات و پرتابه‌های مورد استفاده دشمن، حکایت از آن دارد که بخش استوانه‌ای کشف‌شده متعلق به یک باتری حرارتی با ولتاژ بالا ست و منحصرا در سامانه‌های هدایت پروازی موشک‌ها و بمب‌های هدایت دقیق آمریکای جانیکتار به‌کار می‌رود.وی همچنین تأکید کرد: بر روی بدنه این قطعه، کد شناسه نظامی ودولتی ثبت شده‌است که طبق پیگاه داده ونجیره تأمین دفاعی ایالات متحد، منحصر متعلق به کمپانی تسلیحاتی «ریتون» است و همچنین هشدارهای فنی حک شده روی بدنه دلالت بر حساسیت فوق‌العاده مدار فعال‌ساز پیروتکنیک و رسیدن دمای بدنه آن به ۴۵۰ درجه فارنهایت (۲۳۷ درجه سانتی‌گراد) در حین پرواز واصابت دارد.

واشنگتن این روزها بیش از آن‌که درباره یک حمله نظامی تازه به ایران سخن بگوید، درباره «مردم ایران» و آنچه از آنها انتظار دارد حرف می‌زند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، دوم سپتامبر در بیامی در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال پرسید: «مردم ایران چه زمانی به‌با می‌خیزند و مبارزه می‌کنند؟» یک روز بعد، وقتی از جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، درباره احتمال مسلح کردن یا حمایت مستقیم از مخالفان ایرانی سؤال شد، پاسخ او نه تکذیب بود و نه اعلام بی‌قیدوشرط؛ ونس گفت درباره گزینه‌های روی میز صحبت نمی‌کند و تأکید کرد «فشار اقتصادی، فشار نظامی، فشار دیپلماتیک و فشار مخفی» همگی در جعبه‌ابزار رئیس‌جمهور قرار دارند. این اظهارات زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که کنار مواضع چهره‌ای تندرو مانند جان بولتون قرار گیرد؛ سیاستمداری که از مدت‌ها پیش صراحتا از تغییر نظام سیاسی ایران دفاع کرده است. بولتون در مصاحبه چند روز پیش خوداز «کارکردن با مخالفان داخل ایران» سخن گفته‌است.

بولتون در تشریح سناریوی تغییر سیاسی در ایران حتی به امکان بهره‌گیری مخالفان از شکاف‌های درون ساختار قدرت و کشاندن مقام‌های سیاسی ونظامی ناراضی به سوی خود اشاره‌است. وی یک بار دیگر رویای تسلیح اقلیم کردستان عراق را مطرح کرد و گفت: «به نظر من، ترامپ باید دوباره سراغ کرده‌ها برود؛ روندی که اسرائیلی‌ها در آغاز جنگ، در اواخر فوریه شروع کردند، اما بنا بر گزارش‌های رسانه‌ای، اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، با یک تماس تلفنی با ترامپ آن را متوقف کرد. این اشتباه بزرگی از جانب ما بود. باید از همین حالا خود را همراه با مخالفان آماده کنیم تا ۶۰ روز دیگر بتوانیم از داخل ایران فشار داخلی علیه حکومت وارد آوریم.» این طرح تکراری یعنی تسلیح کرده‌ها برای تجزیه داخلی و جنگ داخلی یک‌بار در ابتدای جنگ آموده‌شد اما به نتیجه دلخواه آمریکا نرسید تا جایی‌که ترامپ با گالیاز از متحدان خود در اقلیم کردستان عراق گفت: «ما برای کرده‌ها سلاح فرستادیم اما آنها ما را ناامید کردند و سلاح‌ها را تحویل معترضان ندادند.»

دونالد ترامپ پیش‌تر نیز گفته بود مردم ایران می‌خواهند اعتراض کنند، اما سلاحی ندارند. م‌اتصور می‌کردیم می‌توانیم از طریق کرده‌ها به آنها کمک کنیم و سلاح برسانیم، اما کرده‌ها ما را ناامید کردند.

اکنون جان بولتون یک بار دیگر سراغ همین راهکار تکراری و البته شکست‌خورده رفته‌است. کنار هم گذاشتن این مواضع، تصویری روشن از تغییر زمین بازی ارائه می‌دهد. آمریکاپس از ماه‌ها فشار نظامی، حملات گسترده و به‌کارگیری بخش مهمی از ظرفیت نظامی خود، نتوانست به هیچ‌کدام از اهداف سیاسی و نظامی خود دست پیدا کند. ایران ایستاده و همین ایستادگی، واشنگتن را به تغییر ابزار وادار کرده‌است. اکنون پرسش اصلی این است که این فشار با چه شکلی ادامه پیدا می‌کند.

 یادداشت محمدباقر خرمشاد استاد دانشگاه

مصادیق عقلانیت در زمان جنگ
در زندگی اجتماعی بشر یک سری قواعد عام وجود دارد که انسان‌ها به حکم فطرت به آن عمل می‌کنند و خلاف آن را انجام نمی‌دهند. مثلا هیچ‌کس اموال یا مجموعه‌ای از دارایی‌های ارزشمند خود مانند طلا و جواهر را وسط کوچه رها نمی‌کند. زیرا می‌داند این کار اموال او را در معرض خطر قرار می‌دهد. یا هیچ فردی خود را از بالای کوه پرت نمی‌کند. چون می‌داند جانش را به خطر می‌اندازد. اینها قواعدی است که به حکم رعایت می‌شوند.
یکی از این قواعد آن است که انسان‌ها نقاط ضعف خود را نه فقط برای دشمنان‌شان بلکه حتی برای رقبای مسائل کمتر حساس تجاری یا ورزشی‌شان آشکار نمی‌کنند. می‌بینیم که در سطح خرد قدرت و در مراحل حساس فردی مثلا رقبای تجاری نعتن‌ها حتی نداشته‌های خود را نیز به‌گونه‌ای بیان می‌کنند که در رقیب بازآرندگی ایجاد شود. به تعبیر دیگر باید حریمی شکل بگیرد تا رقیب از آن جلوتر نیاید و جرأت تعرض به منافع، جان یا مال آنها را پیدا نکنند. اگر این قاعده در زندگی فردی انسان‌ها صادق است، در سطح کلان قدرت و مباحث عمومی سیاسی، امنیتی و نظامی

 یادداشت دکتر فاضل علی افعال رسانه‌ای عراقی

حکمت ایرانی و نادانی آمریکایی‌ها
آنچه در هفته‌های اخیر از سیاست واشنگتن در قبال ایران سرزده، بار دیگر این پرسش قدیمی ر زنده کرده‌است: چرا قدرت‌های بزرگ، با وجود در اختیار داشتن ابزارهای نظامی و اقتصادی عظیم، بارها در محاسبه رفتار ایران دچار اشتباه می‌شوند؟ پاسخ را باید نه در ضعف تحلیلی به معنای فنی، بلکه در یک سوءفهم عمیق‌تر جست‌وجو کرد؛ سوءفهمی ریشه در نادیده گرفتن منطق صبرآهبردی ایران در برابر منطق شتاب‌زده و انتخباتایی آمریکا.
آمریکا، به‌ویژه در دوره ترامپ، همواره جنگ را در قالب معادله‌ای کوتاه‌مدت دیده‌است: فشار حداکثری، سپس نتیجه‌ای سریع. این نگاه از دل یک نظام سیاسی پرخاسته که ساعت‌انتخاباتی‌اش هر دو سال یک‌بار رنگ می‌زند و هیچ رئیس‌جمهوری نمی‌تواند از منطق کوتاه‌مدت افکار عمومی و بازار بگریزد. اما ایران با منطق دیگری وارد میدان می‌شود؛ منطقه‌ای که از تجربه چهار دهه تحریم، فشار، تهدید و حتی جنگ آموخته که زمان، به‌خودی‌خود، یک سلاح است. این همان چیزی است که می‌توان آن را «حکمت ایرانی» نامید: نه شتاب در واکنش، بلکه مدیریت هزینه در بلندمدت. نادانی آمریکایی در اینجا نه به معنای کمبود اطلاعات یا قدرت نظامی، بلکه به معنای تکرار یک خطای تاریخی است؛ این باور که فشار اقتصادی ونظامی به‌طور خودکار به‌فروپاشی سیاسی یا شورش داخلی می‌انجامد. تجربه عراق، لیبی، افغانستان و حتی خود ایران در دهه‌های گذشته، بارها این فرضیه را باطل کرده

بازگشت آمریکا به سناریوی کودتا

واشنگتن پس از ناکامی در میدان نظامی، فشار اقتصادی و تسلیح آشوبگران در داخل ایران را دنبال می‌کند



وقتی موشک جواب نداد، محاصره آغاز شد

به دادن امتیاز در مذاکرات احتمالی آینده است؛ امتیازهایی که طی شش ماه جنگ نظامی به دست نیاوده‌اند.

در همین راستا روز چهارم سپتامبر، وزارت خزانه‌داری آمریکا یک بانک سرمایه‌گذاری ترکیه‌ای و دو شرکت وابسته به آن را به اتهام کمک به انتقال درآمد‌های نفتی ایران تحریم کرد. این اقدام نشان می‌دهد واشنگتن اکنون تلاش می‌کند حلقه‌های مالی مورد استفاده ایران در کشورهای ثالث را نیز یکی پس از دیگری قطع کند. هدف این فشار صرفا کاهش درآمد دولت ایران نیست. منطق چنین کارزاری آن است که فشار اقتصادی به فشار اجتماعی تبدیل شود؛ فشار اجتماعی به نارضایتی سیاسی و نارضایتی سیاسی، در صورت فراهم شدن شرایط، به تغییر رفتار یا حتی تغییر ساختار سیاسی بینجامد.

ایران بیش از چهار دهه با تحریم‌های ظالمانه مواجه بوده و در همین سال‌ها سازوکارهای متعددی برای دور زدن محدودیت‌های مالی و

تجاری ایجاد کرده‌است. اما اکنون واشنگتن در تلاش است این ابزار را با محاصره نفتی و فشار نظامی ترکیب کند. جنگ جدید، جنگ تسلیم‌کردن ایران با موشک نیست؛ جنگ خسته‌کردن ایران با فشار اقتصادی است. هدف همان هدف‌است و تنها سلاح تغییر کرده.

خواب و خیال تکرار کودتا

اعتراض اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌تواند ریشه‌های واقعی و داخلی داشته باشد و نمی‌توان هر مطالبه یا نارضایتی را به پروژه

خون‌شهدای عزیزمان، دست‌برتر را داشته باشیم. در چنین شرایطی اگر نقاط ضعف کشور را جار بزنیم، بلافاصله از سوی دشمن مورد استفاده قرار خواهد گرفت تا منفذی برای ضربه زدن به کشور پیدا کند. به حکم عقل، چنین کاری نشدنی است و عقل حکم می‌کند چنین اتفاقی نیفتد؛ خصوصاً در جنگی که اکنون درگیر آن هستیم. در شرایطی که میزان نفوذ رسانه‌ای دشمن بر همگان آشکار است، همه عقلا دنیا اذعان دارند ایران در یک جنگ بسیار نابرابر و بسیار نااعلانه توانسته سربلند بیرون بیاید. از نگاه اکثریت غریب به اتفاق کارشناسان فرهیخته جهان تا اینجا برنده این جنگ ایران است. این اعقلانه نیست در چنین شرایطی به‌عنوان یک برنده که اهرم‌های فشاری در اختیار دارید خودتان از داخل شروع کنید به واژگون کردن روایتی که به نفع شماس‌ت و برخلاف آنچه عقلا دنیا درباره واقعیت جنگ روایت می‌کنند، روایت وارونه‌ای ارائه دهید که به ضرر خودتان باشد. ۴۷ سال ادامه دارد، عقل می‌گوید در صورت عدم ایستادگی در برابر دشمنی که کشورمان را تهدید تمدنی و موجودیتی می‌کند، نهایت خسران به بار خواهد آمد. ملت بصیر ایران با این درک صحیح از واقعیت، مقاوم و استوار در میدان حضور دارند و محاسبات دشمن را که به اغتشاشگران دل

خارجی نسبت داد، اما هنگامی که یک دولت خارجی همزمان با حمله نظامی و محاصره اقتصادی، آشکارا از مردم کشور هدف می‌خواهد علیه حاکمیت خود «به‌با خیزند» و مقام ارشد آن از گزینه‌های «مخفی» سخن می‌گوید، موضوع دیگر صرفاً یک اختلاف سیاسی یا تبلیغاتی نیست؛ با یک مؤلفه امنیت ملی روبه‌رو هستیم. اظهارات بولتون نیز در همین چارچوب معنایی‌دی‌می‌کند. او نه تنها خواستار تغییر نظام سیاسی ایران شده، بلکه درباره ایجاد شکاف در رأس قدرت، جد کردن بخش‌هایی از نیروهای نظامی و نزدیک کردن آنها به مخالفان سخن گفته‌است.

بنابراین شاید «خواب کودتا» را نباید صرفا یک تعبیر ادبی دانست. این عنوان، توصیف یک سناریوی سیاسی است؛ این‌که فشار خارجی آن قدر افزایش یابد که شکاف داخلی ایجاد شود و سپس بازیگران خارجی بکوشند این شکاف را به تغییر سیاسی تبدیل کنند. این همان جایی است که باید میان «اعتراض» و «مداخله» تفاوت گذاشت.

مشکلات اقتصادی، فشار معیشتی و نارضایتی‌های اجتماعی واقعیت‌هایی هستند که باید در داخل کشور با مدیریت، اصلاح سیاست‌ها و پاسخگویی حل شوند. اما تبدیل این مشکلات به ابزار یک قدرت خارجی برای ایجاد آشوب و جنگ داخلی، موضوع دیگری است. آمریکا و در کنار آن رژیم صهیونی تلاش دارند تا با تکرار وقایع تلخ ۱۸ و ۱۹ه می‌یک ناآرامی داخلی را رقم بزنند و با وارد کردن گروه‌های مسلح به کشور و تسلیح اپوزیسیون اهداف خود را در داخل پیگیری نمایند.

آمریکا درصدد است فشار اقتصادی را به نارضایتی اجتماعی و سپس نارضایتی را به پروژه تغییر فضای امنیتی ایران پیوند بزند و با نیروهای وارداتی و مسلح خود در کف خیابان‌ها به اجراء آورد. اما این سناریو یک نقطه ضعف جدی دارد: ایران پیش از این نیز در برابر چنین فشارهایی ایستاده‌است. جمهوری اسلامی ایران در میدان نظامی نشان داد که می‌توان با وجود برتری تکنولوژیک و آتش سنگین شمن، ساختار کشور را حفظ کرد و اجازه نداد جنگ خارجی به جنگ داخلی منجر شود.

رسوایی دوباره

ایران یک بار خواب واشنگتن را در میدان جنگ آشفته کرد؛ حالا آمریکا خواب دیگری برای ایران دیده‌است؛ این‌که محاصره اقتصادی، نارضایتی اجتماعی و مداخله سیاسی و امنیتی را به یکدیگر پیوند بزند. پاسخ به این سناریو نه ترس است و نه انفعال، پاسخ، شناخت نقشه است؛ خنثی کردن فشار اقتصادی است؛ بستن راه نفوذ از درون است. آمریکا میدان را عوض کرده‌است. این یعنی نبرد تمام نشده؛ فقط شکل آن تغییر کرده‌است و شاید مهم‌ترین درس ماه‌های گذشته همین باشد؛ ایران وقتی ایستاد، آمریکا مجبور شد زمین بازی را تغییر دهد. اکنون باید در زمین جدید نیز همان قدر هوشیار، منسجم و مقاوم بماند.

بسته‌اند اندا بود کرده‌اند. بدیهی است از مسئولان و سیاستمداران نیز انتظار می‌رود به قاعده عقلانی عدم بیان ضعف و لواز باب اطلاع‌رسانی به ملت عمل کنند. چون به اذعان همه عقلا دنیا فشاری که طرف مقابل تحمل می‌کند، بسیار بیشتر از فشاری است که ما تحمل می‌کنیم. به حکم عقل و درس‌های روشنی که از مطالعه علمی تاریخ و مشخصا تاریخ جنگ‌ها به دست آورده‌ایم، در این مرحله حساس باید نقاط قوت خودمان را برجسته سازیم و برای تبیین و تقویت هرچه بیشتر آنها بکوشیم و در مقابل ضعف‌های دشمن را برجسته کنیم. این عین عقلانیت است و دشمن نیز با ما چنین می‌کند. درواقع این امر یک خدعه شناخته شده جنگی است. اسلام نیز این سطح عقلانیت را تأیید می‌کند. رسول اکرم(ص) در یکی از حج‌هایی که بجا آوردند، با توجه به این‌که تعداد مسلمانان کم بود و قریش بر مکه تسلط داشت، به مردان مسلمان امر کردند هنگام احرام بازاری خود را بیرون بگذارند. این اقدام درواقع نمایش قدرت بود. یعنی می‌خواستند ضعف ناشی از تعداد کم مسلمانان را بایک مانور این چنینی جبران کنند. رسول اکرم(ص) نعتن‌ها نگفتند چون تعداد شما کم است، مواظب باشید، در میان جمعیت نروید و گوشه‌ای بنشینید(ضعف خود را به نمایش نگذارید)؛ بلکه برعکس فرمودند از نعتن‌ا بزاری که می‌توان با آن قدرت را به نمایش گذاشت استفاده کنید.

 یادداشت جواد منصورای سفیر پیشین ایران در یکن

چین شناسی با عینک آمریکایی!
در روزهای اخیر، از قول شخصی در رسانه‌ها مطلبی منتشر شد مبنی بر این‌که مقامات چینی چندین خواسته از ایران مطرح و اعلام کرده‌اند که پس از انجام آنها، درباره سفر یا مذاکرات بعدی تصمیم‌گیری خواهند کرد. در حالی‌که افرادی که با نظام سیاسی و شیوه رفتار دولت چین آشنایی دارند، می‌دانند که دولت چین به‌هیچ‌عنوان برای دولت‌های دیگر خط‌مشی تعیین نمی‌کند و امریه صادر نمی‌کند که پس از اجرای نظرات آنها، باب گفت‌وگو و مبادله را باز کنند. چینی‌ها حتی به‌نوعی سعی می‌کنند، به‌هر تقدیر، مواضع و دیدگاه‌های دیگران را، حتی اگر با آن مخالف باشند، نادیده بگیرند و نشانی از مخالفت خود نشان ندهند. این سبک کار و به‌اصطلاح روش عملی دولت چین در روابط خارجی است و تلاش نمی‌کنند دیگران را به‌نوعی در مقابل خود قرار دهد. مطالبی که در روزهای اخیر از طرف مقامات چین نقل شده، قاعدتا نعتن‌ها به این سبک و روش مغایرت دارد، بلکه با سایر مواضعی که این کشور در سازمان‌های بین‌المللی، گفت‌وگوهای دو جانبه و مذاکرات منطقه‌ای مطرح کرده نیز در تضاد است. چین بارها دخالت آمریکا در مسائل منطقه غرب آسیا، لشکرکشی به خلیج فارس و حمله به ایران را محکوم کرده و از دولت آمریکا خواسته‌است به این روش پایان دهد. بنابراین، این‌که دولت چین بیاید به دولت ایران بگوید شما این اقدامات را انجام دهید تا مثلا آمریکا حاضر به مصالحه یا شما شود، قطعا با تفکرات، رفتار و اهداف چین در روابط خارجی خود تطبیق نمی‌کند. البته

در برخورد با کاملاً متوجه شده‌اند. در

کشورهای دیگر معمولاً سعی می‌کنند سیاست‌ها و رفتارهای خود را ثابت نگه دارند تا بتوانند براساس برنامه‌ریزی درازمدت، روابط و همکاری‌ها را با اطمینان بیشتری پیش ببرند.



متن کامل را در
جام جم آنلاین
بخوانید